

پژوهش‌های تاریخی

سال چهاردهم

شماره چهارم (پیاپی ۵۶)، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷۱-۸۶

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۷/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۵

مقاله پژوهشی

روند زمانی جایگزینی حکومت‌های نظامی شام از به قدرت رسیدن تتش بن آلپ ارسلان تا به قدرت رسیدن صلاح‌الدین ایوبی

مهدی محمدی*، استادیار گروه تاریخ اسلام دانشکده مطالعات اسلامی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت، تهران، ایران

m.mohamadi.abu@gmail.com

چکیده

از زمان تشکیل شاخه‌ای از سلجوقیان در شام، این منطقه دستخوش ناآرامی‌ها و در ادامه روند آشوب دوران پساحمدانی بود. آنچه از دوره سلجوقیان در شام اتفاق افتاد، روندی از جایگزینی حکومت‌ها توسط نیروهای نظامی همان سلسله بود که یکی پس از دیگری از سال ۴۷۸ تا ۵۷۰ ه.ق. روی کار آمدند. این پژوهش تلاش کرده است تا به این سؤال پاسخ دهد که روند جایگزینی حکومت‌ها در این بازه زمانی چگونه بود؟ برای پاسخ به این سؤال زمینه‌های سقوط و جانشینی حکومت‌های شام و پیشینه افرادی بررسی شده است که سلسله‌ای را جایگزین سلسله پیشین کرده‌اند و در نهایت با استفاده از روش تاریخی کمی، روند جایگزینی بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش، جایگزینی سلسله‌ها از نظر زمانی روندی رو به افزایش داشته و به مرور از تشتت‌های قبلی، که میراث حکومت‌های محلی و کوتاه‌مدت قبایل عرب بود، کاسته شده است تا به سلسله‌های طولانی و گسترده‌ای مانند زنگیان و ایوبیان ختم شده است.

واژه‌های کلیدی: شام، سلجوقیان شام، آل بوری، اتابکان زنگی، ارتقیان، ایوبیان.

* نویسنده مسئول

This is an open access article under the CC-BY-NC-ND 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)



 [10.22108/jhr.2022.135235.2417](https://doi.org/10.22108/jhr.2022.135235.2417)

 [20.1001.1.20086253.1401.14.4.6.8](https://doi.org/20.1001.1.20086253.1401.14.4.6.8)

مقدمه

سقوط قدرت‌های شام بعضاً با حملاتی بود که از سوی همسایگان آنها صورت می‌گرفت و تقریباً در روندی طبیعی، حکومت قوی‌تر بر حکومت ضعیف‌تر غالب می‌آمد. در بازه زمانی این پژوهش چند حکومت محلی به این شکل از میان رفتند که از آن جمله به بنی‌عمار در طرابلس اشاره می‌شود؛ اما شکل دیگری از سقوط حکومت، ریشی درونی بود که از دل حکومت پیشین، افرادی قدرتمند توانستند حکومت را از دست مخدومان خود خارج کنند و به قدرت برسند و در نتیجه سلسله‌های جدیدی را مانند آل بوری، اتابکان زنگی و ایوبیان تشکیل دهند. نظر به اینکه این شکل از جانشینی در مبنای سیاسی آن زمان، نوعی طغیان به حساب می‌آمده است و سلسله جدید به تلاش‌های مستمری نیاز داشت تا بتواند هم استمرار خود را حفظ کند و هم مشروعیت کافی را برای خود ایجاد کند، پروسه‌ای از زایش و باروری را طی می‌کرد تا به ثبات و مشروعیت برسد؛ فارغ از اینکه هر سلسله جدید تلاش می‌کرد با پوشش‌هایی مانند اتابکی شاهزادگان سلجوقی و دریافت منشور از خلیفه عباسی، برای خود مشروعیتی کسب کند، گذر زمان و رفتار آنها در جهت حفظ سرزمین خود عامل مشروعیتی بود که پس از چندی طغیان داخلی، سرداران باید با آن مشروعیت داخلی رویارو شوند. به تعبیر دیگر هر حکومت پس از طی زمانی، سرزمین را ملک آبا و اجدادی خود می‌کرد و فرماندهان طاغی برای ایجاد مشروعیت در برابر سلسله مخدومان پیشین خود به بازه زمانی نیاز داشتند تا بتواند آن سرزمین را به ملک آبا و اجدادی خود تبدیل کنند. در این مقطع زمانی طغیان‌های داخلی بسامد زیادی دارد؛ اما تنها آنهایی بررسی می‌شود که به ایجاد سلسله‌ای جایگزین منجر می‌شود. تعداد چشمگیری از طغیان‌ها

با ناکامی مواجه بودند که می‌توان این ناکامی را در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سرزمینی و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی افراد طاغی جست‌وجو کرد. بخش مهمی از ناکامی‌های طغیانگرانی که نتوانستند سلسله‌ای جدید تشکیل دهند، ناشی از وجودداشتن این دو زمینه بود. در قسمت زمینه‌های سرزمینی، به آشفتگی یا وحشتی نیاز بود که بر اثر آن خادم بتواند با رفتاری سریع بحران‌هایی را مرتفع کند و اساس حکومت خود را بنیاد نهد. در قسمت زمینه‌های فردی، پشتوانه نظامی قابل اتکا، مهم‌ترین عامل برای ایجاد سلسله‌ای جدید بود؛ از این رو افرادی که موفق شدند از درون سلسله قبلی سلسله‌ای جدید به وجود آورند، همه از پشتوانه نظامی قابل اتکایی برخوردار بودند. در عین حال استثنائاتی هم همچون ارتقیان وجود داشت که با وجود برخورداری از قوای نظامی قوی، اما این نیرو قابل اعتماد و اتکا نبود و همین نیز سبب ناکامی آنها شد.

این پژوهش روند تاریخی این تغییر حکومت‌ها را مدنظر دارد؛ از این رو توالی زمانی برای این تحقیق مهم است؛ زیرا از یک سو می‌توان با بررسی بازه زمانی سقوط و ظهور حکومت‌ها، رفتارهای حکومت‌های شام دمشق را در این بازه زمانی ارزیابی کرد و از سوی دیگر می‌توان مراحل رشد و زوال هر حکومت را از نظر زمان کمی بررسی کرد. این گونه محققان تلاش کردند تا با رویکردی زمانمند (Chronologic)، روند جایگزینی حکومت‌های شام را در این بازه زمانی تبیین کنند که با نظریه ابن خلدون تطبیق دارد. بر این اساس سؤال اصلی برای این پژوهش به این قرار است:

۱. روند زمانی جایگزینی حکومت‌های نظامی شام از به قدرت رسیدن تتش بن آلپ ارسلان تا به قدرت رسیدن صلاح‌الدین ایوبی چگونه بود؟

ثبات حکومت در دوران هریک از حاکمان سلسله‌های این بازه در نظر گرفته شده است. آنچه باید در روش کمی مدنظر قرار داده شود، سیر تغییرات درونی حکومت‌هاست. نویسنده تلاش داشته است تا سالی را بیابد که روند جایگزینی آغاز شده است تا براساس آن بتواند روندهای جایگزینی را ارزیابی کند و قاعده کمی جایگزینی را تشخیص دهد.

با وجود فقر پژوهش‌ها، در زبان فارسی درباره جنگ‌های آغازین صلیبی و حکومت‌های شام می‌توان به آثاری اشاره کرد که در این حیطه نوشته شده‌اند، مانند خاکرند و محمدی قناتغستانی (بهار ۱۳۹۵) «بررسی آماری رابطه بین تعدد واحدهای قدرت شامات و ثبات سیاسی در منطقه از سال ۴۷۱ تا ۵۶۹ق.» به صورت آماری به تعداد حکومت‌های شام در این بازه زمانی پرداخته‌اند؛ اما این پژوهش تأثیر تعدد حکومت‌های شام را بر ثبات سیاسی مدنظر دارد و هرچند از روش تاریخی برای بررسی تغییرات استفاده کرده است، اما روند تغییر حکومت‌ها را مدنظر ندارد. کلود کاهن نیز در آثار خود (۱۳۹۲) «شرق و غرب در روزگار جنگ‌های صلیبی» و (شتا ۱۴۱۰) «الحركات الشعبیة و الاستقلال الذاتی فی المدن الإسلامیة خلال القرون الوسطی» و ابرهارد مایر (۱۳۷۱) «جنگ‌های صلیبی» نیز جسته و گریخته این مسئله را بررسی کرده‌اند.

۱. زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سقوط و جانشینی حکومت‌های شام

دولت‌های شام در این بازه زمانی که متغیر جایگزینی درونی را تجربه کردند، سلجوقیان شام (شاخه‌ای در حلب و شاخه‌ای در دمشق)، آل بوری (پس از سلجوقیان شام در دمشق) و اتابکان زنگی (ابتدا در حلب سپس در تمامی شام) بودند. آل بوری

این پرسش اصلی سه سؤال فرعی در بطن خود دارد که پاسخ به آنها جواب سؤال اصلی را تشکیل می‌دهد:

۲. چه شرایطی باعث تغییر حکومت‌ها در شام شد؟

۳. چه افرادی توانستند حکومت‌ها را در شام تغییر دهند و خاستگاه آنها چه بود؟

۴. روند کمی جایگزینی حکومت‌های شام در این بازه زمانی حاکی از چیست؟

فرض بر آن است که بی‌ثباتی، ناامنی و فشار حکومت‌های بیگانه مانند صلیبیان، بیزانس و سلجوقیان زمینه لازم را برای ایجاد سلسله‌ای جدید از درون سلسله قبلی ایجاد می‌کرد.

افرادی که از حمایت سپاهیان ترک یا شبهه ترک برخوردار بودند، توانستند سلسله‌ای جدید از درون سلسله پیشین به وجود آورند.

به نظر می‌رسد که روند کمی جایگزینی حکومت‌های شام، حکایت از یکسانی زمانی در تغییر حکومت‌ها دارد.

برای آزمون این فرضیات، نویسنده ابتدا به زمینه‌های سقوط و جانشینی حکومت‌های بررسی شده در این بازه زمانی می‌پردازد؛ از این رو از روش توصیف زمینه‌ای (Contextual) استفاده می‌کند. با این روش زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سرزمین‌ها و افرادی بررسی می‌شود که اقدام به تأسیس حکومت جدید کرده‌اند. در قسمت بعد اصلی‌ترین روش برای بررسی تغییرات، روش گاه‌شماری (chronologic) است؛ زیرا از زمان T^1 تا زمان T^2 تغییری رخ داده است و این تغییر در بستری زمانی است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۲: ۲۲۶-۲۳۱). برای پاسخ به سؤال فرعی ۳ از سال شمار و روش تاریخی کمی بهره گرفته شده و ملاک گذر زمان، تغییر در شاخص‌های

جایگزین سلجوقیان شام، اتابکان زنگی جایگزین سلجوقیان و ارتقیان حلب و ایوبیان جایگزین زنگیان شدند؛ از این رو برای فهم زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سقوط و جانشینی آنها باید جغرافیای قلمروی هر کدام را بررسی کرد. در زمان تاج‌الدوله تتش بن آلب ارسلان، دمشق پایتخت حکومت سلجوقیان شام بود که پس از او بین دو فرزندش رضوان و دقاق تقسیم شد و حلب به رضوان و دمشق به دقاق رسید. به این ترتیب برای بررسی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی سقوط و جانشینی سلجوقیان شام، باید حلب و آل بوری دمشق بررسی شود و برای اتابکان زنگی کل شام و بعد مصر درخور توجه است. شرایطی که جنگ‌سالاران توانستند از درون حکومت‌های پیشین، حکومت را تصاحب کنند، به شدت بر روند قدرت‌یابی آنها مؤثر بود؛ از این رو در اینجا با توجه به جغرافیای حکومتی آنها، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بررسی می‌شود.

۱. ۱. سلجوقیان شام، آشفتگی‌های حلب در

برابر یکدستی دمشق

هر چند حضور سلجوقیان در شام به دوره اولین سلطان سلجوقی یعنی طغرل باز می‌گردد (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۳۴/۲۱ و ۱۰۰/۲۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۶۹۸/۲)، این سرزمین در دوران آل‌پارسلان (بن‌داری، ۲۵۳۶: ۴۵) و سپس ملک‌شاه فتح شد و مستقیماً زیر نظر سلطنت آنها قرار گرفت (ابن کثیر، ۱۹۸۶: ۱۱۹/۱۲). ترس ملک‌شاه از قدرت‌یافتن برادر خود، تتش، در شام سبب شد تا منطقه شام میان امیران سلجوقی در شام با مرکزیت حلب به فرماندهی قسیم‌الدوله آق سنقر و تاج‌الدوله تتش به مرکزیت دمشق تقسیم شود (زنکی، ۱۹۹۳: ۱۹؛ ضامن، ۱۹۸۸: ۱۹۱؛ غزی، ۱۴۱۹: ۶۸/۳). همین امر سبب شد تا در دوران حکومت آنها و در زمان سلطنت ملک‌شاه،

زمینه‌های درگیری میان آنها به وجود آید (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۱۹۷؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸۰/۲۳). با مرگ ملک‌شاه، قوای معارض شام در شمال و جنوب صراحتاً رویاروی هم قرار گرفتند (Belotto, 2014: 4؛ نتیجه این رویارویی، غلبه تتش بر امرای شام بود (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۰۸). این امرای غال به دست تتش به سختی مجازات شدند (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۳۳/۱؛ طباح، ۱۴۰۸: ۳۲۹/۱). تلاش تتش برای تسلط بر سلطنت سلجوقی پس از تسلط بر شام ناکام ماند (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۴۲) و این باعث شد تا شام میان دو فرزند او تقسیم شود. فرزند بزرگ تر رضوان، توانست حلب را تصاحب کند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۵۳/۱۸). برادر کوچک تر او دقاق از ترس رضوان و به درخواست فرماندهان، به دمشق گریخت (ابن عدیم، بی‌تا: ۳۶۶۰/۸) و این‌گونه شام در زمان جانشینان تتش به دو جبهه مخاصم شمال و جنوب تقسیم شد. تقسیم شدن سلجوقیان شام خود بر تأسیس حکومت‌های بعدی تأثیر گذاشت. در دمشق طغتنکین اتابک دقاق توانست بلافاصله بعد از مرگ شاهزاده دمشق، حکومت را قبضه کند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۴۶) و این بعد باعث ایجاد سلسله آل بوری شد؛ اما در حلب حکومت رضوان طولانی تر بود و فردی شایسته وجود نداشت تا حکومت را در دست گیرد؛ از این رو حلب پس از رضوان تا برآمدن اتابکان زنگی دچار آشفتگی زیادی شد.

۱. ۱. ۱. حلب

از زمان به تخت نشستن رضوان در حلب، حکومت او دچار ناآرامی‌های داخلی زیادی بود. اولین معارض او برادرش دقاق بود که دمشق را از حکومت او جدا کرد؛ اما در ادامه افراد قدرتمند حکومت او مانند جناح‌الدوله حسین (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۳۹/۱) و رؤسای احداث حلب مانند مجن

فوعی (ر.ک: ابن عدیم، بی تا: ۳۶۶۳/۸؛ ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۲۰/۲)، چالش‌های زیادی برای او پدید آوردند؛ از این رو حلب نسبت به دمشق دوره بی‌ثبات‌تری را طی کرد. جانشین او، آلپ ارسلان اخرس، با رفتاری خشن به تخت نشست و این امر آشفتگی درونی را بیشتر کرد (ر.ک: ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۷۳/۱). اوضاع سیاسی خارجی حلب نیز اصلاً مساعد نبود، برخلاف دمشق که در حصار کوه‌ها توانسته بود خصومت هایش را با صلیبیان با اندک تلفات مدیریت کند (ر.ک: محمدی، ۱۴۰۱: ۱۳۲)؛ در حالی که حلب عملاً در محاصره صلیبیان قرار داشت و مکرراً از سوی آنها تاخت و تاز شد (ر.ک: Mohamadi, khakrand, 2020). تاخت و تاز صلیبیان تنها تهدیدی نظامی و سیاسی برای حلب نبود، غارت‌های آنها موج‌های متعددی از قحطی و در پی آن بیماری را برای حلب به همراه آورد (ر.ک: Mohamadi, khakrand, 2020: 14-16) و مستقیماً حلب را دچار بحران اجتماعی کرد. راهکار رضوان علاوه بر باج دادن به صلیبیان در مواقعی، گرایش به سمت اسماعیلیه نزاری بود که نه از سوی اقلیت اهل سنت حلب مقبول بودند و نه از سوی اکثریت امامیه این شهر (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۷۲/۱)؛ همین امر درگیری‌های درون‌شهری را افزایش داد. ضعف بنیه حلب به حدی رسید که امرای مناطق هم‌جوار تمایلی برای تسلط بر این شهر نداشتند (شنقیطی، ۲۰۱۶: ۱۵۷). با مرگ آلپ ارسلان، اخرس مردم حلب از ترس صلیبیان دست به دامان ترکمانان ارتقی شمال حلب شدند (ر.ک: ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۹۲/۱؛ همچنین ر.ک: محمدی، ۱۴۰۰: ۱۸۱). هرچند ایلغازی توانست در نبرد سرمد شکست سختی به صلیبیان وارد کند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۲۰) و تا مدتی کوتاه امنیت را برای حلب برقرار کند، اما

بازشدن پای ارتقیان به حلب موج‌های جدیدی از غارت‌ها را از سوی بلک بن بهرام بن ارتق و ترکمانانش به همراه داشت و این شهر را بیش از پیش ضعیف کرد. در چنین شرایطی به نیروی قدرتمندی نیاز بود که بتواند اوضاع آشفته حلب را سامان بخشد. این نیروی قدرتمند اتابکان زنگی بودند که با استفاده از مشروعیت اتابکی، پس از موصل توانستند حلب را متصرف شوند.

۱. ۱. ۲. دمشق

چنان‌که گفته شد، دقاق پس از فرار از حلب توانست حکومت مستقلی در دمشق تأسیس کند. کمی پس از استقرار او در دمشق، ظهیرالدین طغتکین از فرماندهان تش و اتابک دقاق توانست خود را به دمشق برساند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۱۴). او در اقدامات سریع مدعیانی را کنار گذاشت که در دربار دمشق مانع او بودند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۱۴؛ زکار، ۲۰۰۷: ۲۲۸)؛ همین کار عرصه را برای او خالی کرد. هرچند به نظر می‌رسد دقاق از برادر خود رضوان کاردان‌تر بود و البته بحران‌های او را نیز نداشت، اما طغتکین توانست پس از مرگ او با استفاده از مشروعیت ناشی از ازدواج با مادر دقاق (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۱۴)، در کنار کاردانی خود، مشروعیت دیگری را کسب کند. در زمان دقاق کارهای حکومت او به دست طغتکین انجام می‌شد؛ از این رو پس از مرگ او و در دوره ای که حضانت فرزند کوچک دقاق را تقبل کرده بود (ر.ک: ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۲۳۳)، بر همگان مشخص بود که طغتکین حاکم بلامنازع دمشق است. در این دوره مهم‌ترین هدف برای طغتکین، حفظ دمشق در مقابل شهرهای دیگر شام مانند حلب، سلجوقیان بزرگ در بغداد و صلیبیان بود. این هدف اشتراک او با منافع شهری و هویت شهر دمشق بود؛ از این رو بحران‌های اجتماعی که دامن‌گیر حلب شد،

نصیب دمشق نشد. حفظ شهر یکی از مهم‌ترین دلایلی بود که به حکومت طغتكین مشروعیت می‌داد؛ از این رو زمانی که در زمان فرزندش بوری، حکومت مستقل آنها در دمشق صورت گرفت، بحران مشروعیت جدی برای آنها به وجود نیامد.

۱. ۲. آل بوری، تهدید محاصره صلیبیان

دوره اول حکومت بوریان در دمشق، به لطف کاردانی طغتكین، دوره نسبتاً باثباتی بود؛ هرچند تنش‌های جدی در شام به وجود آمد. این تنش‌ها بعضاً از سوی صلیبیان بود؛ اما تنش‌های جدی که سراسر شام را به وحشت می‌انداخت، از جانب لشکریان سلجوقیان بزرگ بود که برای جنگ علیه صلیبیان به شام وارد می‌شد. هرچند این لشکرکشی‌ها در صورت موفقیت به نفع مسلمانان شام در برابر صلیبیان بود، هریک از حکومت‌های محلی از استقلال خود در برابر این سپاه می‌ترسیدند. این مسئله بود که لشکرکشی‌های سلجوقیان را به شام ناکام گذاشت. هیچ‌کدام از شهرهای شام همکاری تامی با این سپاهیان نداشتند؛ حتی در منابع، قتل فرمانده سپاه سلجوقی مودود بن التوتنگین را که ظاهراً به دست نزاریان صورت گرفته بود، ناشی از توطئه طغتكین می‌دانستند (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۴/۴۱ و ۱۶۱). به هر صورت فرزند طغتكین، تاج الملوک بوری، مانند پدر خود کاردانی لازم را نداشت؛ اما ثباتی که طغتكین ایجاد کرده بود تا حد زیادی ضامن ثبات بوریان بود. آنچه بوریان را به‌طور مداوم تهدید می‌کرد، توسعه صلیبیان در سواحل شام بود.

توسعه نفوذ و سلطه صلیبیان در سواحل شام، دمشق را در گام اول از بنادر طبیعی تحت سلطه خود مانند طرابلس، صور و صیدا جدا کرد. هرچند امرای بوری تلاش زیادی کردند تا به بنی‌عمار در طرابلس کمک کنند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۳/۳۷۳)، پس از آن

صیدا و طرابلس، که بنادر طبیعی بیت‌المقدس بودند، از دسترس حکومت دمشق خارج شد و با تصرف صور، دمشق به کلی از دریا محروم شد (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۵). این ترس بود که در نهایت با تصرف عسقلان به دست صلیبیان، به پناه‌بردن به نورالدین محمود زنگی و از بین رفتن حکومت بوریان منجر شد. هنگامی که عمادالدین زنگی از خلیفه عباسی در سال ۵۲۷ شکست خورد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۱۱؛ رانسیمان، ۱۳۸۶: ۲/۲۲۴)، به‌طور پیوسته خواستار تملک دمشق شد. او در دوره حکومت خود ۱۴ بار با حکومت دمشق جنگید و ۶ بار دمشق را محاصره کرد (خاکرند، محمدی قناتغستانی، زمستان ۱۳۹۵: ۲۰۴ و ۲۰۵)؛ اما نتوانست دمشق را تصرف کند. حملات امیر جنگجوی زنگی باعث تضعیف شدید دمشق شد؛ به‌گونه‌ای که نامنی حلب را پس از حدود ۲۵ سال در برابر صلیبیان احساس کردند. این تضعیف بنیه سبب شد تا امیران دمشق مانند قضات و ذی‌نفوذان حلب که از سال ۵۱۱ تا سال ۵۲۱ ه.ق. در پی جلب حمایت دیگر حکام مسلمان، دست به دامان آنها شدند، از نورالدین محمود زنگی درخواست کنند تا شهر را از نامنی ناشی از صلیبیان مصون دارد (محمدی، ۱۴۰۱: ۱۵۰ و ۱۵۱). سرانجام موافقت امرای دمشق با نورالدین محمود زنگی سبب شد تا این امیر زنگی دمشق را تصرف کند و به حکومت بوریان خاتمه دهد (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۸۶؛ طبخ، ۱۴۰۸: ۲/۲۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۹۹/۷).

۱. ۳. اتابکان زنگی، واگرایی فرماندهان نظامی

و تثبیت‌نداشتن مصر

زمینه سیاسی و اجتماعی سقوط اتابکان زنگی و جانشینی آنها با ایوبیان با سلجوقیان شام و آل بوری متفاوت بود. عمادالدین زنگی فردی جنگجو و کاردان بود که از کودکی در میدان‌های نبرد جزیره و شام بزرگ

پیاپی نظام را در لشکرکشی به مصر به میدان آورند (محمدحسین، ۲۰۰۳: ۳۸). همین توان نظامی بود که سبب شد تا بتوانند در مقابل لشکرکشی بیزانس به خوبی مقاومت کنند (ابن اثیر، بی تا: ۶۲). تجمع این قوای نظامی در حکومت زنگیان سبب شد تا زمینه‌های جایگزینی حکومت از درون این سلسله پدید آید. زنگیان در دوره حکومت خود شاهد طغیان‌هایی مانند سرکشی امیرامیران، برادر نورالدین محمود و امیر منبج بودند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۲۹/۱۱)؛ اما هیچ کدام از این طغیان‌ها در برابر قدرت نظامی زنگیان شانسی برای موفقیت نداشت. توان زیاد زنگیان در ایجاد امنیت در شام، سیره نیکوی آنها (ر.ک: ابن قاضی شهبه، ۱۹۷۱: ۱۹) و مشروعیت ناشی از منسب اتابکی، آنها را به حکام مشروع شام تبدیل کرد. در مصر نیز مشروعیت فرماندهان زنگی ناشی از وزارت خلافت فاطمی و درخواست‌های خلیفه از آنها برای رویارویی در برابر صلیبیان بود؛ به گونه‌ای که نورالدین در اواخر حکومت، به طور ضمنی خود را لایق حکومت بر همدان و منطقه حکومت اتابک ایدگز یعنی آذربایجان می‌داند (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۵۰۴/۲)؛ اما باید به این نکته توجه کرد که حکومت اتابکان زنگی، ائتلافی از امرای نظامی بود؛ از این رو در صورت وجود نداشتن حاکم قدرتمند، زمینه واگرایی از هر سوی قلمرو آنها فراهم بود. در واقع در زمان زوال زنگیان، روندی مشابه سلجوقیان شام برای آنها پدید آمد.

۱. ۴. آل ارتق، ترکمانان و فضای امن حاشیه

ارتق بن اکسب از اولین ترکمانانی بود که در اواسط قرن پنجم به شام وارد شد (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲: ۱۰۶/۵). او همراه آتسز ترکمان مدتی در بیت المقدس ساکن شد (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۲۷۰/۱). با حمله افضل امیر الجیوش مصر به بیت المقدس،

شده بود (ابوشامه، ۱۹۵۶: ۶۸/۱). هنگامی که عمادالدین قصد تصرف حلب و ورود به شام را داشت، توانسته بود موصل را تصرف کند و از نیروهای نظامی جزیره بهره‌مند شود (ر.ک: بارکر، بی تا: ۱۷۲؛ Heidemann, 2001: 208, 212). هنگامی که عمادالدین حلب را به امیر اسوار سپرد، امیر اسوار اثبات کرد که در نبردهای متعدد علیه صلیبیان از توانایی کافی برخوردار است (ابن قلائسی، ۱۹۸۳: ۳۷۵). عمادالدین در ۲۰ سال حکومت خود ۶۰ جنگ انجام داد (خاکرند، محمدی قناتغستانی، زمستان ۱۳۹۵: ۲۱۸). این تلاش‌های عمادالدین سبب شد تا در زمان جانشینانش، تمام شام و مصر به تصرف زنگیان درآید. با این حال باید مدنظر داشت که حکومت اتابکان زنگی ائتلافی از نیروهای نظامی ترک بود (بارکر، بی تا: ۴۹) و این نیروهای نظامی هم عامل موجبه، هم عامل مبقیه و هم عامل سالبه حکومت زنگیان بودند.

عمادالدین در سال‌های ۵۲۶ و ۵۲۷ از خلیفه عباسی، المسترشد، شکست خورد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۱۱؛ رانسیمان، ۱۳۸۶: ۲۳/۲؛ طقوش، ۱۳۸۰: ۱۰؛ معلوف، ۱۳۶۴: ۱۶۹؛ عاشور، ۱۳۷۳: ۲۴۱) و به ایوبیان تکریت پناهنده شد. کردهای ایوبی از آن پس با نشان دادن لیاقت خود در ماشین نظامی زنگیان، توانستند مورد اعتمادترین افراد در حکومت نورالدین محمود زنگی شوند. با وجود کمک‌های متعدد امیران ایوبی، نجم‌الدین بن شادی و برادر او اسدالدین شیرکوه به زنگیان، به محض اینکه نورالدین محمود در سال ۵۵۴ دچار بیماری شدیدی شد (ابن قلائسی، ۱۹۸۳: ۵۳۳)، اسدالدین دمشق را تصرف کرد و این مهم‌ترین گزارش در زمینه استقلال این فرماندهان در زمان حیات نورالدین است. اتابکان زنگی در جغرافیای وسیع خود توانستند ده هزار سواره نظام (ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱۱۹/۱) و در بازه ای هفتاد هزار

فرزندان ارتق ایلغازی و سقمان به تنها پناهگاه آنها در مناطق شمالی شام رفتند که محل اجتماع گروه‌های مختلف ترکمان بود. شهرهای آمد و ماردین محل حکومت فرزندان او شد (ر.ک: ابوالفداء، ۱۹۹۷: ۱۶/۲؛ نیشابوری، ۱۳۳۲: ۲۷ و ۲۸). ترکمانان برای همه حکومت‌های شام در حکم نیرویی اضطراری بودند که گاه علیه مسلمانان و گاه علیه صلیبیان می‌جنگیدند؛ حتی حکام مناطق دور از آناتولی مانند بنی‌عمار در طرابلس از نیروی آنها علیه صلیبیان بهره بردند. در عین حال این ترکمانان برای همه حکومت‌های منطقه تهدیدی به شمار می‌رفتند. گفته شده است که ترکمانان در دهه دوم قرن ششم لطمه‌های جدی به حلب وارد کردند. با وجود قوای نظامی ترکمانان، بی‌اعتمادی حکومت‌ها و انسجام نداشتن آنها برای ایجاد حکومت، سبب شد حتی زمانی که قاضی ابوالفضل بن خشاب از ایلغازی بن ارتق دعوت کرد تا بر حلب حکومت کند، نتوانند حکومتی منسجم در این شهر ایجاد کنند (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۴۸/۱). اتابکان زنگی نیز از آنها برای غارت شهرهای صلیبیان بهره بردند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۵۰) و در لشکرکشی‌های مهم، آنها را اجیر می‌کردند (مقریزی، ۱۴۱۸: ۲۵/۳)؛ اما همچنان نیروی کمکی باقی ماندند و نتوانستند جایگاهی مانند ایوبیان کسب کنند؛ از این رو با وجود اثرگذاری (له یا علیه حکومت‌های مسلمان شام) در مناسبات سیاسی و اجتماعی شام در این دوره، به‌عنوان گزینه‌های جانشینی حکومت‌های شام شناخته‌شده نبودند.

۲. زمینه‌های سیاسی و اجتماعی حکام ساقط‌شده و برآمده شام در این بازه

چندان‌که بیان خواهد شد، تغییر حکومت‌ها از طریق جایگزینی درونی نه از نظر تعداد حاکمان و نه

از زمان سال‌شماری، روندی یکسان نداشت؛ اما می‌توان در آنها اشتراکی یافت که با دیدگاه ابن خلدون درباره تغییر حکومت‌ها انطباق دارد (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۵۶/۱-۵۷). حاکمان اولیه معمولاً افرادی کاردان و از نظر نظامی زبده‌اند؛ اما جانشینان آنها کفایت لازم را نداشتند؛ پس این امکان فراهم آمد که حکومت به دست سرداران لایق آنها بیفتند. هرچند نگاه ابن اثیر با ابن خلدون متفاوت است، اما به روندی از تغییرات حکومت‌ها در تاریخ اسلام از جمله جایگزین شدن زنگیان به وسیله ایوبیان اشاره دارد (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۶۲/۲۷-۲۶۴).

۲. ۱. رضوان و جانشینان، اتابکی عمادالدین

زنگی

درباره کودکی رضوان در منابع تاریخی اطلاعی نیامده است؛ از این رو تنها از نتیجه رفتار او می‌توان درباره او قضاوت کرد. پدر او تنش توانست از سوی برادرش ملک‌شاه حکومت دمشق را به دست آورد (ر.ک: ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۷۳۳/۲)؛ اما رقابت‌های او با امرای شمال شام، متحذکردن شام و سپس رقابت او با برادرزاده‌اش، برکیارق، نشانگر توانایی او در حکومت بود؛ هرچند که در نتیجه، از رسیدن به سلطنت سلجوقیان بزرگ بازماند. فرزند او رضوان با وجودی که از برادران خود بزرگ تر بود و مشروعیت خون سلجوقی را داشت، اما لیاقت پدر را نداشت. او با وجود توان نظامی حلب در سال ۴۸۸، نتوانست انطاکیه و رها را تصاحب کند و در بازی‌های سیاسی داخلی چندان درگیر شود که در زمان ضعف یاغیسیان ناشی از محاصره صلیبیان نتوانست انطاکیه را تصرف کند. این ضعف او سبب پراکنده شدن افراد قدرتمندی مانند جناح الدوله حسین شد (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۳۹/۱). این ضعف سبب شد تا در ابتدای ورود صلیبیان به شام با وجود ضعف شدید آنها ناشی

زنگیان، تطبیق می‌کند. هرچند رضوان مشروعیت کافی برای حکومت بر شام را داشت، اما به نظر می‌رسد کفایت نظامی کافی را نداشت که بتواند نیروهای نظامی شام را متحد کند و حکومتی مقتدر پدید آورد. از سوی دیگر در مدیریت داخلی حکومت خود نیز به شدت ضعیف عمل کرد و در نتیجه سردارانش یا از او جدا شدند یا قدرت او را تضعیف کردند. از سوی دیگر رضوان با بحران‌های اقتصادی و معیشتی جدی روبه‌رو بود؛ اما نتوانست منابع اقتصادی متعددی را که داشت به خوبی مدیریت کند و این امر به ضعف بیشتر حکومت او منجر شد. در مجموع انفعال او در تدبیر حکومت و اقتدارنداشتن او در برابر سردارانش، روند ضعف سلجوقیان حلب را تسریع کرد.

۲.۲. دقاق و دمشق، طغتكین اتابک دقاق

از ابتدای حکومت دقاق، طغتكین دربار او را منظم کرد؛ از این رو ناتوانی سلجوقیان دمشق در اداره حکومت بررسی شدنی نیست؛ اما کاردانی اتابک آنها بررسی شدنی است. طغتكین از ابتدا افرادی را از میدان بیرون کرد که معارض او بودند و در عین حال زمینه‌های واگرایی داخلی را در حکومت دمشق داشتند (زکار، ۲۰۰۷: ۲۲۸). جانشینان تش در دمشق تقریباً از ابتدا همه کارها را به اتابک کاردان خود سپردند. دقاق بن تش ۹ سال در جوار طغتكین حکومت کرد و پس از آن تش بن دقاق ۴ ماه حکومت کرد (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۶۲/۱؛ باسورث، ۱۳۸۱: ۳۶۶)؛ در حالی که طغتكین ۲۵ سال (تا سال ۵۲۲) در دمشق حکومت کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۱/۲۵)؛ از این رو می‌توان استنتاج کرد که سلجوقیان دمشق توانایی لازم را نداشتند که بتوانند حکومت خود را حفظ کنند. در عین حال اتابک او چندان کاردان بود که خود ۱۶ سال پس از حاکمان

از حملات قلیچ ارسلان دوم و قحطی (ر.ک: ابرهاردمایر، ۱۳۷۱: ۶۱)، به راحتی رها و انطاکیه را از دست بدهد. تصرف این دو شهر در انفعال رضوان، حلب را در سال‌های بعد در محاصره صلیبیان قرارداد و بحران‌های سیاسی و اجتماعی زیادی برای آن رقم زد. دشمنی داخلی مسلمانان آنها را از تصرف انطاکیه بازداشت (ر.ک: ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۴۸/۱). رضوان با وجود تحلیل رفتن قوای خود در رقابت‌های داخلی و مواجهه با صلیبیان، توانست ۱۹ سال - تا سال ۵۰۷ - بر حلب حکومت کند (خاکرند، محمدی قناتغستانی، بهار ۱۳۹۵: ۱۴) که در مقایسه با جانشینانش، دوره‌ای طولانی محسوب می‌شود؛ از این رو با وجود ضعف‌های متعدد او در برابر مسائل داخلی و دشمنان خارجی نسبت به پدرش، از کارآمدی بیشتری نسبت به فرزندانش برخوردار بود. دوره یک‌ساله آلپ ارسلان اخرس (حک. ۵۰۷ تا ۵۰۸)، دوره‌ای خون‌بار برای دربار حلب بود (ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۷۴/۱). دوره سه‌ساله برادر او سلطان‌شاه بن رضوان در حلب نیز عملاً دوره ناتوانی سلجوقیان شام در حلب بود (خاکرند، محمدی قناتغستانی، بهار ۱۳۹۵: ۱۴ همچنین ر.ک: ابن عدیم، ۱۹۹۶: ۳۸۴/۱). جانشینان ارتقی سلجوقیان شام در حلب با وجود دورکردن صلیبیان، تنها به آشفتگی حلب افزودند. عمادالدین زنگی هنگامی که به حلب رسید، سختی‌های زیادی را از دوران کودکی متحمل شده بود. یتیم آق سنقر (عمادالدین)، توانسته بود از وضعیت رو به زوال پس از مرگ فجیع پدر خود (ابن عدیم، بی تا: ۱۹۵۶/۴) در جزیره، اصفهان، واسط و بغداد خود را به جایگاهی برساند که قدرت بلامنازع شام شود. به این ترتیب پس از زوال تدریجی سلجوقیان حلب، فرد متعصب قدرتمندی توانست حکومت حلب را تصرف کند؛ از این رو نظر درباره جایگزینی سلجوقیان به وسیله

شام علیه صلیبیان خبری نبود؛ از این رو روند ضعف امرای بوری به خوبی مشاهده شدنی است. هنگامی که صلیبیان جنگ صلیبی دوم، دمشق را محاصره کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۹۹/۷) و دمشق را تحت فشار قرار دادند و پس از آن عسقلان را به تصرف خود درآوردند، ترس از محاصره و سقوط شهر چندان برای دمشقیان زیاد شد که از نورالدین دعوت کردند تا شهر را به تصرف خود درآورد (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۸۶؛ ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۷۲)؛ این گونه با سست شدن امیران بوری، شرایط برای تسلط امیر غازی زنگی بر دمشق فراهم شد.

۲.۴. نورالدین محمود و ایوبیان

شاید مهم‌ترین ویژگی عمادالدین در دوران حکومت او، سخت‌گیری و خشونت او بود. هرچند این خشونت به خصوص درباره کشتار بعلبک مانعی برای فتح دمشق بود (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۲۳ و ۴۲۴)، اما به همان میزان سبب شد تا فرماندهان او نتوانند علیه حکومت زنگی اقدامی انجام دهند. در مقابل هرچند فرزندان او در برابر رقبای خود، علی‌الخصوص صلیبیان توفیقات زیادی داشتند، اما مسلماً خشونت و جنگجویی عمادالدین را نداشتند (ر.ک: خاکرند، محمدی قناتغستانی، زمستان ۱۳۹۵: ۲۰۵ و ۲۱۱)؛ از این رو زمینه جایگزین شدن ایوبیان از زمان نورالدین محمود زنگی آغاز شد. هرچند نورالدین تلاش زیادی در توسعه قلمرو خود کرد و موفقیت‌های زیادی در برابر صلیبیان داشت (خاکرند، محمدی قناتغستانی، زمستان ۱۳۹۵: ۲۱۰)، اما از زمان بیماری او به شدت روحیه جنگجویی او افول کرد (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۵۳۳). از سوی دیگر قدرت‌گیری خاندان ایوبی به‌خصوص اسدالدین شیرکوه، که از زمان عمادالدین آغاز شده بود و در زمان نورالدین به اوج رسید، نیروی معارض درونی

سلجوقی حکومت کرد و پس از او، نوادگانش از سال ۵۴۹ توانستند در دمشق حکومت مستقلی داشته باشند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۴۸۶).

۲.۳. آل بوری و ضعف تدریجی

حکومت آل بوری در سال ۵۲۲ تشکیل شد؛ اما از سال ۴۸۸ پدر بوری، طغتكین، بر اوضاع دمشق تسلط داشت؛ اما روند حکومت بوریان، ضعف تدریجی بود که بر آنها مسلط شد. با وجود کاردانی طغتكین، او نتوانست سواحل را برای دمشق حفظ کند و به تدریج صلیبیان بر سواحل طبیعی آن مسلط شدند (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۵). با وجودی که بوریان در ۱۷ نبرد خود در برابر مسلمانان شام موفق عمل کردند، اما به همین نسبت در برابر صلیبیان موفق نبودند (ر.ک: محمدی، ۱۴۰۱: ۱۴۸)؛ این امر را می‌توان مهم‌ترین عامل ضعف بوریان در درازمدت برشمرد. جانشینان طغتكین مانند او افراد لایقی نبودند. زمانی که دمشق به‌وسیله حکومت وحشت شمس‌الملوک مستعد آشوب و حتی واگرایی شد (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۸۹)، با خرد اشراف شهر و با کمک مادر شمس‌الملوک، صفوة‌الملک، او را به قتل رساند و مانع از ایجاد تشتت در شهر شد (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۳۸۹). دوره طولانی مجیرالدین ابق (حک. ۵۳۴ تا ۵۴۹) نیز به سبب تلاش‌های معین‌الدین انر بود (ر.ک: ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۴/۲۶ و ۱۷۸) و عملاً حاکم بوری در مسائل سیاسی دخالت نداشت. پس از طغتكین زنان دربار نقش مهمی در سیاست داشتند. این امر با وجود تلاش‌های آنها در ثبات بوریان، خود عامل گریز از مرکز دیگری را در حکومت آنها ایجاد کرد. هرچند فشار عمادالدین بر دمشق سبب نشد که این شهر به دست زنگیان سقوط کند، اما آنها را در برابر صلیبیان بیشتر ضعیف کرد. دیگر از تلاش‌های بوریان مانند دوره طغتكین و شمس‌الملوک بوری و رای غسل

برای زنگیان ایجاد کرد. بیماری نورالدین هم زمان با قدرت‌گیری اسدالدین شیرکوه، به‌عنوان بزرگ‌ترین فرمانده او بود. آشکارترین اقدام جایگزینی درونی در حکومت زنگیان، تلاش اسدالدین شیرکوه برای تصرف دمشق در زمان بیماری نورالدین بود (ابن اثیر، بی‌تا: ۱۲۳). در این زمان نجم‌الدین ایوب خود را به سرعت به دمشق رساند و برادر را از استقلال در زمان نورالدین بازداشت. هرچند توصیه نجم‌الدین توسط اسدالدین پذیرفته شد، اما نورالدین متوجه زمینه‌های طغیان فرماندهان ایوبی خود شد. علاوه بر خاندان ایوبی، نورالدین از دیگر سپاهیان خود نیز بیم داشت که می‌توان در سخنان شرف‌الدین بزغش آن را ملاحظه کرد (ابن اثیر، بی‌تا: ۱۳۳). تسلط ایوبیان بر مصر به‌عنوان فرماندهان نورالدین، فاصله مکانی آنها را با نورالدین بیشتر کرد و این امر زمینه استقلال آنها را فراهم آورد. هرچند اسدالدین کمی بعد از فتح مصر از دنیا رفت (ابن شداد، ۱۹۹۴: ۸۱)، اما به قدرت رسیدن صلاح‌الدین، روندی را تکمیل کرد که پیش‌تر توسط عمومیش آغاز شده بود. فعالیت‌های صلاح‌الدین در جهت استقلال، از همان ابتدا برای نورالدین خوشایند نبود و زمینه‌های تنش میان آنها را افزایش داد (ر.ک: ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۷۱/۱۱)؛ از این رو نورالدین نجم‌الدین ایوب، پدر صلاح‌الدین را به مصر فرستاد تا همچنان که برادر خود را به اطاعت از نورالدین فراخوانده بود، فرزند را نیز مطیع کند. صلاح‌الدین تا زمانی که پدرش در قید حیات بود، از نورالدین تبعیت کرد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۹۳/۱۱). در این مدت نیز تهدید صلیبیان اجبارا باعث همگرایی میان نورالدین و صلاح‌الدین شد. پس از شکست صلیبیان در نبرد دمیاط، واگرایی چندان میان امیر زنگی و فرمانده ایوبی بالا گرفت که نورالدین قصد لشکرکشی به مصر کرد؛ اما مرگ او، او را از این

هدف بازداشت (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴۰۲/۱۱). فرزند نورالدین خردسال بود؛ از این رو در برابر امیر کاردان ایوبی توانایی لازم را نداشت. هرچند مردم حلب و دمشق عمیقا به زنگیان وفادار بودند (ابن اثیر، بی‌تا: ۱۷۶)، نورالدین نیز در مدت حکومت خود با چندین شورش اقوام خود مواجه بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۳۲۹/۱۱؛ ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱/۱۵۲؛ زکار، ۲۰۰۷: ۵۷۵/۱)؛ از این رو زمینه‌های تزلزل در حکومت زنگیان پیش از تلاش صلاح‌الدین وجود داشت. هنگامی که نورالدین محمود از دنیا رفت، زنگیان شاخه جزیره، یکی از مهم‌ترین جریان‌های واگرا و تضعیف‌کننده اتابکان زنگی بودند. توافق نداشتن برادرزادگان نورالدین بر جانشینی او، سیف‌الدین دوم، عمادالدین دوم و عزالدین*، درگیری‌های زیاد آنها با یکدیگر (ر.ک: ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۴۰۵/۱۱ به بعد) و واگرایی که امرای نظامی میان آنها ایجاد می‌کردند، شرایط را برای از بین بردن زنگیان برای صلاح‌الدین فراهم آورد. اواخر حکومت زنگیان در شام، مشابه دوران ضعف سلجوقیان در شام است. امیران نظامی شمس‌الدین علی بن دایه، شمس‌الدین محمد بن مقدم، سعدالدین گمشتگین به ترتیب در حلب، دمشق و موصل بر شاهزادگان زنگی به ترتیب صالح اسماعیل بن نورالدین و سیف‌الدین دوم تسلط داشتند. تنها عزالدین بن قطب‌الدین بود که توانست بر این فرماندهان فائق آید؛ اما نتوانست بر برادر خود در سنجار مسلط شود. رهاورد کنشگری جدی فرماندهان نظامی زنگی در دوره پس از نورالدین، تضعیف بیشتر شام در برابر صلاح‌الدین بود. این تضعیف هرچند نیروهای شام و جزیره را تقسیم کرد و می‌رفت که

* هر سه فرزندان قطب‌الدین مودود بن عمادالدین زنگی برادر نورالدین محمود زنگی بودند.

بعد از ارتقیان تا سال ۵۲۱ (۴ سال) با دعوت از امرای موصل برای تسلط بر حلب، روند جایگزینی بیرونی حکومت ارتقیان با اتابکان زنگی بود. به این ترتیب روند جایگزینی سلجوقیان در حلب ۴ سال به طول انجامید و مدت ۱۰ سال دوران درگیری میان قدرت‌ها برای تسلط بر حلب بود.

سلجوقیان دمشق تنها دو حاکم پس از تش داشتند، دقاق بن تش و تش بن دقاق که به ترتیب ۹ سال و ۳ ماه حکومت کردند. بیرون‌راندن افراد قدرتمند در زمان رضوان سبب شد تا حلب از فرماندهان لایق خالی باشد؛ اما دمشق پس از دقاق کاملاً در دست طغتكین قرار گرفت و جانشین او چند ماهی بیشتر حکومت نکرد. روند جایگزینی در دمشق از ابتدای حکومت دقاق در دمشق است؛ زیرا از ابتدا اتابک او همه کارها را به دست گرفت؛ از این رو ۹ سال و ۳ ماه روند قدرت‌گیری بوریان برای حکومت ۵۲ ساله آنها بود.

حکومت آل بوری در دمشق از سال ۴۹۷ رسمی شد و تا سال ۵۴۹ توانستند بر این شهر حکومت کنند. طی ۵۲ سال حکومت آنها ۶ نفر به حکومت رسیدند (ظهیرالدین طغتكین، تاج‌الملوک بوری، شمس‌الملوک اسماعیل، شهاب‌الدین محمود، جمال‌الدین محمد و مجیرالدین ابق) که هر کدام به ترتیب ۲۵، ۴، ۳، ۴، ۱ و ۱۵ سال حکومت کردند. روند ضعف آنها پس از طغتكین در سال ۵۲۲ شروع شد که نظر کمی را می‌توان در سال‌های حکومت جانشینان او، که کمتر از ده سال بود، مشاهده کرد. دوره ۱۵ ساله مجیرالدین ابق از این جهت طولانی شد که همه‌کاره حکومت معین‌الدین انر بود. در صورت تهاجم نکردن زنگیان می‌توان انتظار داشت که سلسله‌ای درونی به فرماندهی معین‌الدین انر جایگزین آل بوری شود؛ چندان که بوریان جایگزین

صلاح‌الدین بتواند به راحتی بر آنها مسلط شود؛ اما تا سال ۵۷۹ در شام و تا سال ۵۸۱ در جزیره به طول انجامید؛ آن هم با افت و خیزهای زیادی که گاهی صلاح‌الدین چیرگی داشت و گاهی امیران زنگی تفوق داشتند. طولانی شدن تفوق صلاح‌الدین بر زنگیان را می‌توان ناشی از آن دانست که امیر ایوبی در مدتی که در مصر مسلط بود، برای تثبیت جایگاه خود در چند مرحله سپاه فاطمی را کشتار و تبعید کرد (ابن‌واصل، ۱۹۵۷: ۲۴۹/۱ و ۲۵۰). این امر سبب شد تا به شدت از نظر نظامی به قوایی وابسته باشد و زمین‌های جزیره را در اقطاع خود داشته باشد که مهم‌ترین منبع نظامی برای رویارویی با صلیبیان به شمار می‌رفتند. از این جهت روند تسلط صلاح‌الدین بر باقی‌مانده زنگیان طولانی شد.

۳. توالی زمانی کمی تغییر حکومت‌ها

سلجوقیان شام در حلب از سال ۴۸۸ تا سال ۵۱۱ (۲۳ سال) حکومت کردند و شاخه سلجوقیان دمشق از سال ۴۸۸ تا سال ۴۹۷ (۹ سال) حکومت کردند. طی ۲۳ سال حکومت سلجوقیان شام در حلب، سه نفر حکومت کردند، رضوان بن تش، آلپ ارسلان بن رضوان و سلطان‌شاه بن رضوان. سال‌های حکومت آنها به ترتیب ۱۹، ۱ و ۳ سال بود. روند ضعف آنها اگرچه از زمان رضوان آغاز شد، در زمان فرزندان او شدت گرفت؛ از این رو دو حاکم آخر سلجوقیان در حلب (۴ سال آخر از ۵۰۷ تا ۵۱۱) را می‌توان دوره واگذاری به سلسله بعد دانست. با دعوت از ارتقیان برای کمک به امرای حلب در سال ۵۱۱ را می‌توان روند جایگزینی برونی حکومت سلجوقیان حلب دانست. از سال ۵۱۱ تا ۵۱۸ دوره تسلط ارتقیان بر حلب بود؛ اما در این دوره نیز مردم حلب برای جلب کمک از حکومت‌های دیگر تلاش‌های زیادی کردند.

با توجه به بررسی سال‌شماری این بازه زمانی، حکومت‌های این بازه به طور میانگین حدود ۲۲ سال درگیر روند جایگزینی بودند. حکومت حلب از سال ۵۰۷ روند جایگزینی درونی به مدت ۴ سال داشت و از ۵۱۱ روند درگیری داشت. حکومت دمشق از زمان حکومت دقاق روند جایگزینی داشت. آل بوری از سال ۵۲۲ روند جایگزینی را طی کرد. اتابکان زنگی از ۵۵۴ تا ۵۶۹ روند جایگزینی درونی داشتند و ۱۱ سال دوران درگیری را سپری کردند تا ایوبیان به طور کامل بر آنها مسلط شدند؛^۱ اما حکومت دقاق (۹ سال) در میان سه حکومت دیگر استثنا محسوب می‌شود؛ زیرا یک حاکم (فرزندش چند ماه بیشتر حکومت نکرد) بیشتر نداشت. سه حکومت دیگر هرکدام ۱۴، ۲۷ و ۳۷ سال روند جایگزینی آنها طول کشید. با توجه به ضعف بنیه نظامی صلاح‌الدین که ۱۱ سال تصرف شام و جزیره را به تأخیر انداخت، از سال ۵۵۴ تا سال ۵۷۰ که صلاح‌الدین برای تصرف شام وارد شد، ۱۶ سال روند درونی جایگزینی اتابکان زنگی طول کشید و ۱۱ سال دوران کشاکش ایوبیان و زنگیان بود.

سلجوقیان در دمشق شدند. هرچند ضعف دمشق به علت تهاجمات عمادالدین و صلیبیان این احتمال را کم می‌کند؛ از این رو دوره حکومت ۵ حاکم آخر را می‌توان دوران واگذاری آل بوری دانست.

اتابکان زنگی از سال ۵۲۱ تا سال ۵۶۹ به شکلی باثبات حکومت کردند و از سال ۵۶۹ تا سال ۵۸۱ درگیر رقابت با صلاح‌الدین ایوبی بودند. در بازه ۴۸ ساله حکومت باثبات آنها، تنها ۳ نفر (عمادالدین، سیف‌الدین، نورالدین*) به ترتیب ۲۰، ۴ و ۲۴ سال حکومت کردند. دوران ضعف حکومت زنگیان از سال ۵۶۹ تا تفوق صلاح‌الدین بر زنگیان جزیره در سال ۵۸۱، ۱۲ سال به طول انجامید و در این زمان ۴ نفر از خاندان زنگی غال به صورت هم‌زمان حکومت کردند. با توجه به شروع فعالیت ایوبیان در حکومت اتابکان زنگی از سال ۵۳۲، روند جایگزینی آنها تا سال ۵۶۹ به مدت ۳۷ سال طول کشید. از زمان بیماری نورالدین محمود در سال ۵۵۴، روند جایگزینی آنها سرعت گرفت. صلاح‌الدین ایوبی از سال ۵۷۰ قدم به شام گذارد تا با استفاده از مشروعیت خادمی فرزند نورالدین حکومت را در دست گیرد؛ ولی تا سال ۵۸۱ که توانست بر زنگیان جزیره فائق آید، درگیر جنگ‌های مفصلی با خاندان زنگی بود؛ از این رو اگر سال رشد ایوبیان، ۵۵۴ در نظر گرفته شود - سال بیماری نورالدین - ایوبیان در روندی ۲۷ ساله - تا سال ۵۸۱ با فوق‌بر زنگیان جزیره - توانستند جایگزین مخدومان خود شوند. با توجه به این سال‌ها ۵ حاکم زنگی معاصر دوران زوال بودند، نورالدین، صالح اسماعیل، سیف‌الدین دوم، عمادالدین دوم و عزالدین.

^۱ شاخه زنگیان موصل و سنجار تا قرن هفتم ادامه داشتند؛ اما تابع دولت ایوبیان بودند (لین پول، ۱۳۸۹: ۱۴۵).

* قطب‌الدین مودود برادر نورالدین، زیر نظر برادر در جزیره حکومت می‌کرد (ابن واصل، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۵۲).

نام حکومت	سال‌های حکومت	سال‌های زوال	جمع دوره حکومت	تعداد حاکمان	حکومت جایگزین	بازه جایگزینی
سلجوقیان حلب	۴۸۸ تا ۵۱۱	۵۰۷ تا ۵۱۱	۲۳	۳	ارتقیان سپس زنگیان	۴ سال
سلجوقیان دمشق	۴۸۸ تا ۴۹۷	۴۸۸ تا ۴۹۷	۹	۲	آل بوری	۹ سال
آل بوری	۴۹۷ تا ۵۴۹	۵۲۲ تا ۵۴۹	۵۲	۶	زنگیان	۲۷ سال
اتابکان زنگی	۵۲۱ تا ۵۸۱	۵۵۴ تا ۵۸۱	۶۰	۷	ایوبیان	۳۷ سال

در نگاه کلی، روند جایگزینی حکومت‌ها در شام در این بازه زمانی رو به افزایش است و این خود نمایانگر افزایش ثبات در شام است. هرچند به صورت سال شماری، دغدغه این پژوهش ادوار قبل و بعد نبوده است، اما از زمان حکومت اعراب پس از حمدانیان تا پایان ایوبیان می‌توان روند کلی افزایش ثبات را در شام مشاهده کرد. این پژوهش مشخصاً با داده‌های کیفی و کمی، میانه این بازه زمانی طولانی‌مدت را بررسی کرد و توانست روند جایگزینی را تبیین کند.

نتیجه

جایگزینی سلسله‌های شام در این بازه زمانی متأثر از بی‌ثباتی، ناامنی و فشار حکومت‌های بیگانه زمینه لازم برای ایجاد سلسله‌ای جدید، از درون سلسله قبلی را ایجاد می‌کرد؛ از این رو افرادی که از حمایت سپاهیان ترک یا شبهه ترک برخوردار بودند، توانستند سلسله‌ای جدید از درون سلسله پیشین به وجود آورند. بقای سلسله جدید و مقاومت آن در برابر جایگزینی بعدی به میزان زیادی متأثر از توانایی آن سلسله در مدیریت بحرانی بود که در این زمان بر سرزمین‌های شام حادث شده بود؛ از این رو هرچند بوریان خود جایگزین سلجوقیان دمشق شدند، اما به علت کفایت آنها در محافظت از دمشق در برابر

صلیبیان و حکومت توسعه‌طلب مسلمان، توانستند مدت زمان طولانی در برابر روند جایگزینی مقاومت کنند. در ابتدا فرض بر آن بود که روند کمی جایگزینی حکومت‌های شام حکایت از یکسانی زمانی در تغییر حکومت‌ها دارد؛ اما داده‌های کمی سال‌های جایگزینی، نادرست بودن این فرضیه را نشان داد. با توجه به سال‌های حکومت این سلسله‌ها در شام، روند جایگزینی از سلجوقیان شام تا ایوبیان رو به افزایش است؛ این خود نشانگر افزایش ثبات در شام از زمان حمدانیان است. زمانی که حمدانیان متفرق شدند، قبایل عرب بر این منطقه دست یافتند و منطقه‌ای پر آشوب را به سلجوقیان تحویل دادند. تعارض میان امرای سلجوقی این آشوب پیشین را به دوره جانشینان رضوان انتقال داد؛ از این رو از زمان ورود اولین ترکمانان به شام که دوران پر آشوب و متشتتی در شام بود تا زمان ایوبیان، ثبات در شام افزایش یافت. سلسله ایوبی پس از صلاح‌الدین و برادرش به ایوبیان شام و مصر تجزیه شد؛ اما ایوبیان توانستند تا حدود نیمه قرن هفتم دوام آورند. به دلیل محدودیت زمانی مقاله، روند جایگزینی ایوبیان بررسی نشد؛ اما قاعده افزایش ثبات و طولانی شدن روند جایگزینی به دولت ایوبی، ممالیک و عثمانی نیز قابل تعمیم است که البته اثبات دقیق آن پژوهش دیگری لازم دارد.

منابع

۱۳. ابن فلانسی، حمزه بن أسد (۱۹۸۳)، *تاریخ دمشق، تحقیق سهیل زکار، دمشق: دار حسان للطباعة والنشر*.
۱۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۹۸۶)، *البدایه والنهایه، تحقیق علی شیری، بی‌جا: دار الاحیاء تراث العربی*.
۱۵. ابن واصل، جمال الدین بن سالم (۱۹۵۷)، *مفرج الکروب فی أخبار بنی آیوب، مصحح جمال الدین الشیال، قاهره: دار الکتب والوثائق القومیه*.
۱۶. ابن واصل، جمال الدین بن سالم (۱۳۸۳)، *تاریخ ایوبیان، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: علمی و فرهنگی*.
۱۷. ابوالفداء، اسماعیل بن علی (۱۹۹۷)، *تاریخ أبی الفداء المسمی المختصر فی أخبار البشر، بیروت: دارالکتب العلمیه*.
۱۸. ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل (۱۹۵۶)، *کتاب الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، محقق محمد حلمی، قاهره: وادی النيل*.
۱۹. بارکر، ارنست (بی تا)، *الحروب الصلیبیه، ترجمه سید الباز العرینی، بیروت: دارالنهضه العربیه*.
۲۰. باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۸۱)، *سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران*.
۲۱. بنداری اصفهانی، فتح بن علی (۲۵۳۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی، مترجم محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران*.
۲۲. پاکتچی، احمد (۱۳۹۲)، *روش‌شناسی تاریخی، تهران: دانشگاه امام صادق*.
۲۳. خاکرند شکرالله، محمدی قناتغستانی، مهدی (بهار ۱۳۹۵)، «بررسی آماری رابطه بین تعداد واحدهای قدرت شامات و ثبات سیاسی در منطقه از سال ۴۷۱ تا ۵۶۹ق»، *پژوهشنامه تاریخ اسلام*، ۱ (۲۱)، ۳۴-۷.
۱. ابرهارد مایر، هابز (۱۳۷۱)، *جنگ‌های صلیبی، ترجمه عبدالحسین شاهکار، شیراز: دانشگاه شیراز*.
۲. ابن اثیر جزی، علی بن محمد (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر*.
۳. ابن اثیر جزی، علی بن محمد (بی تا)، *التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه بالموصل، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره: دارالکتب الحدیثه*.
۴. ابن اثیر جزی، علی بن محمد (۱۳۷۱)، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، مترجم ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی*.
۵. ابن تغری بردی، یوسف (۱۳۹۲)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره: وزارة الثقافه و الارشاد القومي، المؤسسة المصریة العامه*.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، *العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی*.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵)، *مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی*.
۸. ابن شداد، یوسف بن رافع (۱۹۹۴)، *النوادر السلطانیة والمحاسن الیوسفیة (سیره صلاح الدین الأیوبی)، محقق جمال الدین الشیال، قاهره: مکتبه الخانجی*.
۹. ابن عدیم، عمر بن أحمد (۱۹۹۶)، *زبده الحلب فی تاریخ حلب، تحقیق خلیل المنصور، بیروت: دار الکتب العلمیه*.
۱۰. ابن عدیم، عمر بن أحمد (بی تا)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق سهیل زکار، بی‌جا: دار الفکر*.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵)، *تاریخ مدینه الدمشق، تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر*.
۱۲. ابن قاضی شهبه، بدرالدین (۱۹۷۱)، *الکواکب الدریه فی السیره النوریه تاریخ السلطان نورالدین محمود زنکی، تحقیق محمود زاید، بیروت: دارالکتب الجدید*.

۳۶. کاهن، کلود (شتاء ۱۴۱۰)، «الحركات الشعبية و الاستقلال الذاتي في المدن الإسلامية خلال القرون الوسطى»، الاجتهاد، العدد ۶، صص ۱۰۵ تا ۲۰۶.
۳۷. لین پول، استانلی (۱۳۸۹)، طبقات سلاطین اسلام، ترجمه عباس اقبال، تهران: اساطیر.
۳۸. محسن حسین، محمد (۲۰۰۳)، الجیش الایوبی فی عهد صلاح الدین ترکیه تنظیمه اسلحته بحریته و ابرز المعارك التي خاضها، اربیل: دارالراس لطباعه و النشر.
۳۹. محمدی، مهدی (۱۴۰۰)، شیعیان امامی در جنگ‌های آغازین صلیبی با تأکید بر شمال شام، تهران: دانشگاه بین‌المللی اهل بیت.
۴۰. محمدی، مهدی (۱۴۰۱)، «مقایسه تطبیقی تفاوت‌های رفتاری شهرهای حلب و دمشق در برابر اتابکان زنگی از سال ۴۸۸ - ۵۴۹»، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی تاریخ و فرهنگ اسلامی، سال اول، شماره دوم بهار و تابستان، صص ۱۳۱-۱۵۹.
۴۱. معلوف، امین (۱۳۶۴)، جنگ‌های صلیبی از دیدگاه شرقیان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
۴۲. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸)، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بیروت: دار الکتب العلمیة،
۴۳. نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، سلجوق‌نامه، تهران: خاور.
44. Belotto, Nicholas D (2014), POWER AND LEGITIMACY IN THE MEDIEVAL MUSLIM WORLD: THE CAREER OF IMAD AL-DIN ZENGI (1085-1146), Boca Raton, Florida, Florida Atlantic University.
45. Heidemann, Stefan. (2001). Arab nomads and Seljuq military. Difference and Integration, 3(3), 201-219.
46. Mohamadi, Mahdi , khakrand, shokrollah(2020)The Impact of War, Famine, and Disease on Insecurity in Northern Sham From 488 to 521 / 1095 to 1127 - A Statistical Survey, Res Hist Med. 9(1): 2-20.
۲۴. خاکرند، شکرالله، محمدی قناتغستانی، مهدی (زمستان ۱۳۹۵)، «تیین آماری جنگ‌های اتابکان زنگی از سال ۵۲۱ تا ۵۶۹ هجری قمری»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ۱۷، ۱۹۳-۲۳۴.
۲۵. رانیسمان، استیون (۱۳۸۶)، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، تهران: علمی فرهنگی.
۲۶. راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴)، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، تحقیق و تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
۲۷. زکار، سهیل (۲۰۰۷)، تاریخ دمشق، دمشق: التکوین.
۲۸. زنگی، جمال محمدحسن (۱۹۹۳)، اماره دمشق فی المرحله المبكره للحروب الصليبيه ۴۸۸-۵۴۹هـ. کویت: بی‌نا.
۲۹. شنیطی، محمد بن مختار (۲۰۱۶)، الحروب الصليبيه على العلاقات السنيه الشيعيه، بیروت: شبکه العربیه للابحاث و النشر.
۳۰. ضامن، محمد (۱۹۸۸)، «دراسات التاريخيه، منطقه تاریخ حلب حکم قسیم الدوله آق سنقر ۴۷۹ - ۴۸۷هـ.ق. / ۱۰۸۶ - ۱۰۹۴م»، شماره ۲۹ و ۳۰، ماه، آذار - حزیران.
۳۱. طباح، محمدرآغب (۱۴۰۸)، إعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، حلب: دارالقلم.
۳۲. طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۰)، دولت ایوبیان، مترجم عبدالله نصری طاهری، قم: حوزه و دانشگاه.
۳۳. عاشور، حماد محمد (۱۳۷۳)، جهاد مسلمانان در جنگ‌های صلیبی، ترجمه عباس عرب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۴. الغزی، کامل بن حسین البالی (۱۴۱۹)، نهر الذهب فی تاریخ حلب، حلب: دارالقلم.
۳۵. کاهن، کلود (۱۳۹۲)، شرق و غرب در روزگار جنگ‌های صلیبی، ترجمه عبدالله نصری طاهری، قم: حوزه و دانشگاه.